آیات منتخبات

گردآورنده:

محمد ابراهیم دامنی

عنوان کتاب: آیات منتخبات

گردآورنده: محمد ابراهیم دامنی

موضوع: قرآن - تفسیر

نوبت انتشار: اول (دیجیتال)

تاریخ انتشار: دی (جدی) ۱۳۹۴شمسی، ربیع الأول ۱۴۳۷ هجری

منبع:

بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب

مقدمه

این کتابچه جزوه‌ای است داخل نصاب درسی حوزه‌های علمیه اهل سنت بلوچستان و برای طلاب اهل سنت (به ویژه حنفی) مخصوص است.

اگر در ترجمه و تفسیر آیات چیزی ذکر شده باشد که در مذاهب دیگر معتبر نیست پیروان مذهب هیچ‌گونه اجباری برای پذیرفتن آن ندارند، زیرا هدف آن آموزش عقاید و احکام مذهب خویش به طلاب و بچه‌های پیرو این مذهب است نه مقابله با مذهبی دیگر.

توحید ۱

﴿أَمَّنۡ خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ وَأَنزَلَ لَكُم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ فَأَنۢبَتۡنَا بِهِۦ حَدَآئِقَ ذَاتَ بَهۡجَةٖ مَّا كَانَ لَكُمۡ أَن تُنۢبِتُواْ شَجَرَهَآۗ أَءِلَٰهٞ مَّعَ ٱللَّهِۚ بَلۡ هُمۡ قَوۡمٞ يَعۡدِلُونَ ۝٦٠ أَمَّن جَعَلَ ٱلۡأَرۡضَ قَرَارٗا وَجَعَلَ خِلَٰلَهَآ أَنۡهَٰرٗا وَجَعَلَ لَهَا رَوَٰسِيَ وَجَعَلَ بَيۡنَ ٱلۡبَحۡرَيۡنِ حَاجِزًاۗ أَءِلَٰهٞ مَّعَ ٱللَّهِۚ بَلۡ أَكۡثَرُهُمۡ لَا يَعۡلَمُونَ ۝٦١ أَمَّن يُجِيبُ ٱلۡمُضۡطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكۡشِفُ ٱلسُّوٓءَ وَيَجۡعَلُكُمۡ خُلَفَآءَ ٱلۡأَرۡضِۗ أَءِلَٰهٞ مَّعَ ٱللَّهِۚ قَلِيلٗا مَّا تَذَكَّرُونَ ۝٦٢ أَمَّن يَهۡدِيكُمۡ فِي ظُلُمَٰتِ ٱلۡبَرِّ وَٱلۡبَحۡرِ وَمَن يُرۡسِلُ ٱلرِّيَٰحَ بُشۡرَۢا بَيۡنَ يَدَيۡ رَحۡمَتِهِۦٓۗ أَءِلَٰهٞ مَّعَ ٱللَّهِۚ تَعَٰلَى ٱللَّهُ عَمَّا يُشۡرِكُونَ ۝٦٣﴾ [النمل: ۶۰-۶۳].

«آیا چه کسی آفرید آسمان‌ها و زمین را و فرود آورد از آسمان آبی؟ پس رویاندیم با آن باغ‌های تر و تازه و سرسبز، نیست برای شما (توانی) که برویانید یک درخت آن را. آیا با الله معبودی دیگر است؟ (که بتواند چنین کاری بکند؟ خیر) بلکه آنها قومی هستند که به انحراف می‌روند (۶۰) آیا چه کسی ساخت زمین را قرارگاه و ساخت در آن رودها و ساخت برای آن میخ و ساخت بین هر دو دریا (شور و شیرین) مانعی (تا خلط نشوند) آیا معبودی هست با الله؟ (خیر) بلکه اکثریت‌شان نادان‌اند (که یگانگی معبود را نمی‌پذیرند) (۶۱) آیا چه کسی اجابت می‌کند (درمانده را زمانی که او را (برای کمک) بخواند و سختی او را برمی‌دارد و شما را ساخته جانشین در زمین؟ آیا معبودی هست با الله؟ (خیر) خیلی کم پند می‌پذیرند (۶۲) آیا چه کسی شما را در تاریکی‌های خشکی و دریا راهنمایی می‌کند و چه کسی

می‌فرستد بادها را مژده‌آور قبل از رحمتش؟ آیا معبودی هست با الله؟ (خیر) بلکه برتر است الله از همهٔ کسانی که با او شریک می‌سازند (۶۳)».

تفسیر

مشرکین، خالقیت و مالکیت الله و صفات دیگری را که نام برده شد منکر نبودند و با توجه به اینکه می‌دانستند که معبودان شان نه آفرینندهٔ آسمان‌ها و زمین‌اند و نه آورندهٔ باد و باران، آنها را در عبادت الله یعنی در سجده، طواف و نذر و نداء شریک دانسته، إله یا معبود می‌نامیدند. از این نظر الله جل‌شأنه از آنها می‌پرسد که آخر معبودان شما چه کاری می‌توانند بکنند که شما آنها را إله نام گذاشته سجده می‌کنید و به کمک می‌خوانید و می‌گویید: «یا فلان أدرکني» و با توجه به این که اله کسی می‌تواند باشد که توانایی و علم او نهایت نداشته باشد پس در نتیجه باید بپذیرید که عقلاً و شرعاً غیر الله را هر کسی که باشد اله، معبود یا مشکل‌گشا نامیدن و او را هنگام سختی خواندن، شرک و ممنوع است.

تمرین

الف- آیات را از برکنید.

ب- ترجمهٔ تک تک کلمات را مشکل را یاد بگیرید.

ج- سؤالات زیر را پاسخ بدهید.

۱- آیا مشرکین معبودان خود را خالق مالک و رازق می‌دانستند؟

۲- مشرکین در چه امور معبودان خود را با الله شریک می‌کردند؟

توحید ۲

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ تَدۡعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ عِبَادٌ أَمۡثَالُكُمۡۖ فَٱدۡعُوهُمۡ فَلۡيَسۡتَجِيبُواْ لَكُمۡ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ١٩٤ أَلَهُمۡ أَرۡجُلٞ يَمۡشُونَ بِهَآۖ أَمۡ لَهُمۡ أَيۡدٖ يَبۡطِشُونَ بِهَآۖ أَمۡ لَهُمۡ أَعۡيُنٞ يُبۡصِرُونَ بِهَآۖ أَمۡ لَهُمۡ ءَاذَانٞ يَسۡمَعُونَ بِهَاۗ قُلِ ٱدۡعُواْ شُرَكَآءَكُمۡ ثُمَّ كِيدُونِ فَلَا تُنظِرُونِ ١٩٥ إِنَّ وَلِـِّۧيَ ٱللَّهُ ٱلَّذِي نَزَّلَ ٱلۡكِتَٰبَۖ وَهُوَ يَتَوَلَّى ٱلصَّٰلِحِينَ ١٩٦ وَٱلَّذِينَ تَدۡعُونَ مِن دُونِهِۦ لَا يَسۡتَطِيعُونَ نَصۡرَكُمۡ وَلَآ أَنفُسَهُمۡ يَنصُرُونَ ١٩٧ وَإِن تَدۡعُوهُمۡ إِلَى ٱلۡهُدَىٰ لَا يَسۡمَعُواْۖ وَتَرَىٰهُمۡ يَنظُرُونَ إِلَيۡكَ وَهُمۡ لَا يُبۡصِرُونَ ١٩٨﴾ [الأعراف: ۱۹۴-۱۹۸].

«همانا کسانی را که شما علاوه بر الله ندا می‌کنید بندگانی هستند مثل شما، پس بخوانید ایشان را، پس باید اجابت کنند (خواستهٔتان را) برایتان اگر راست می‌گویید (۱۹۴) آیا پا دارند که راه می‌روند با آن (و به کمک شما می‌آیند)؟ آیا دست دارند که توسط آن دست کسی را بگیرند؟ آیا چشم دارند که می‌بینند با آن آیا گوش دارند که بشنوند با آن؟ (بلکه اکثرشان مرده‌اند و اگر زنده هم در بین‌شان باشد از دور اعضاء فوق‌شان هیچ کاری نه می‌توانند بکنند) بگو: (ای پیامبر ﷺ) بخوانید کسانی را که شما ایشان را شریک الله می‌دانید، سپس علیه من توطئه بکنید پس اصلاً به من مهلت ندهید (۱۹۵) همانا پشتیبان من خدایی است که کتاب مخصوص (قرآن) را فرودآورد، و فقط او است که همهٔ نیکان را پیشتیبانی می‌کند (۱۹۶) و کسانی که شما غیر از او می‌خوانید نه یاری شما را می‌توانند و نه می‌توانند خودشان را یاری کنند (۱۹۷) و اگر ای پیامبر ﷺ آنها (مشرکین) را به سوی هدایت دعوت

کنی گوش فرانمی‌دهند. می‌بینی که به سوی تو نگاه می‌کنند ولی آنها نه می‌بینند (۱۹۸)».

تفسیر

قرآن تنها یک نوع از شرک یعنی بت‌پرستی را رد نمی‌کند و کلیه انواع آن را رد می‌کند. در آیات فوق شخصیت‌پرستی مورد مذمت و ملامت قرار گرفته است. زیرا عدهٔ از مشرکین از قبور مردگان و از بندگان نیکوکار استمداد می‌کردند و از دور ندا می‌کردند و عقیده داشتند که آنها عالم‌الغیب‌اند و از وضع مصیبت ما و از مشکلات ما کاملاً آگاه‌اند و نداء ما را می‌شنوند و دربارهٔ انبیاء و اولیاء مرده تصور داشتند که اگرچه آنها از ما جدا شده‌اند و زیر خاک‌اند ولی زنده‌اند و روح‌شان هر جا حاضر است و بینا و شنوا است. در آیات فوق همین نوع شرک تردید شده است.

و گاهی مشرکین در مورد شرک خود توجیهات زیر را بکار می‌بردند ...

۱- کسی خدا را اصلاً نخواند و فقط دیگران را بخواند شرک است ما هم خدا را می‌خوانیم و هم دیگران را.

۲- کسی غیر خدا را با خدا مساوی و مثل خدا دانسته بخواند شرک است و اگر پایین‌تر از خدا دانسته بخواند شرک نیست و ما دیگران را پایین‌تر از خدا دانسته می‌خوانیم.

۳- عدهٔ می‌گفتند: خواندن بت‌ها یا دشمنان خدا برای کمک شرک است ما که دوستان خدا را می‌خوانیم. در این آیات با کلمهٔ ﴿مِن دُونِ ٱللَّهِ﴾ توجیه دوم و با کلمهٔ ﴿عِبَادٌ أَمۡثَالُكُمۡ﴾ توجیه اول و سوم تردید شده است.

تمرین

۱- آیات را از بر کنید.

۲- ترجمۀ کلمات مشکل را از بر کنید.

۳- به سؤالات زیر پاسخ دهید.

الف- در آیات فوق چه نوع شرکی تردید شده است؟

ب- مشرکین شرک خود را چطور توجیه می‌کردند و پاسخ هر توجیه چیست؟

توحید ۳

﴿مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَن يُؤۡتِيَهُ ٱللَّهُ ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡحُكۡمَ وَٱلنُّبُوَّةَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُواْ عِبَادٗا لِّي مِن دُونِ ٱللَّهِ وَلَٰكِن كُونُواْ رَبَّٰنِيِّـۧنَ بِمَا كُنتُمۡ تُعَلِّمُونَ ٱلۡكِتَٰبَ وَبِمَا كُنتُمۡ تَدۡرُسُونَ ٧٩ وَلَا يَأۡمُرَكُمۡ أَن تَتَّخِذُواْ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةَ وَٱلنَّبِيِّـۧنَ أَرۡبَابًاۗ أَيَأۡمُرُكُم بِٱلۡكُفۡرِ بَعۡدَ إِذۡ أَنتُم مُّسۡلِمُونَ ٨٠﴾ [آل‌عمران: ۷۹-۸۰].

«برای هیچ بشری که الله به او کتاب، حکم و نبوت داده باشد جایز نیست که به مردم بگوید که باشید عبادت‌گذار من و مرا بپرستید غیر از خدا، ولیکن (باید بگوید) باشید خداپرست. به علت آنکه شما کتاب تعلیم می‌گیرید و به سبب آنکه شما می‌خوانید (۷۹) و نه این جائز است که به شما امر کند که فرشتگان و پیامبران را رب قرار بدهید. آیا به کفر امر می‌کند شما را بعد از این که شما مسلمان شده‌اید (۸۰)».

تفسیر

سوره آل‌عمران در پاسخ هیئت هفتاد نفره ای از مسیحیان نجران نازل شده است. آنها آمده بودند تا در اصول دین بخصوص در توحید با رسول الله ﷺ مناظره بکنند و آنها عقیده داشتند که عبادت بندگان نیک مانند مسیح، مریم علیها السلام و علماء دراویش و صوفیاء و غیره جائز است و هیچ‌گونه تضادی با توحید خداوند ندارد و در این مورد به دروغ مدعی بودند که مسیح علیه السلام چنین وصیت کرده است که ما او را به وقت مشکل نداء بکنیم و بگوییم: «یا مسیح! أدرکني» و از او بخواهیم که پیش خدا سفارش ما را بکند و می‌گفتند: «یا وجیهاً عندالله! اشفع لنا عندالله» و عقیده داشتند که

مسیح، مریم علیهما السلام و دیگر اولیاء و انبیاء عالم الغیب هستند و نداء ما را می‌شنوند و اجابت می‌کنند و می‌توانند مشکل ما را حل بکنند خداوند در تردید این دعوی دروغین‌شان (که مسیح علیه السلام به ما چنین دستور داده‌است) می‌فرماید که «برای هیچ بشری بخصوص کسی که نبوت و کتاب داشته باشد اصلاً جائز نیست که مردم را به پرستش و نداء خود دعوت و امر بکند». و مسیح علیه السلام یک فرد معصوم و پاک است چطور مرتکب این گناه کبیره بلکه اکبر الکبائر شد. بلکه اصل مسئله این است که گفته شما از ریشه و اساس دروغ است.

تمرین

پس از بر کردن کلمات و ترجمه لفظی آن به سؤالات زیر پاسخ بدهید:

۱- سورهٔ آل‌عمران در رد چه کسانی نازل شده است؟

۲- مسیحیان نجران در چه مسایل می‌خواستند مناظره کنند؟

۳- مسیحیان برای عبادت مسیح علیه السلام و دیگر انبیاء و اولیاء چه دلیلی ارائه دادند؟

۴- قرآن دلیل مسیحیان را برای اثبات شرک چطور پاسخ داد؟

توحید ۴

﴿وَمَآ أَرۡسَلۡنَا مِن قَبۡلِكَ مِن رَّسُولٍ إِلَّا نُوحِيٓ إِلَيۡهِ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّآ أَنَا۠ فَٱعۡبُدُونِ ٢٥﴾ [الأنبياء: ۲۵].

«و نفرستادیم پیش از تو (ای محمد ﷺ) هیچ رسولی مرگ اینکه به سوی او وحی می‌کردیم که به جز من الله دیگر وجود ندارد، پس شما همگی فقط مرا عبادت کنید».

تفسیر

در این آیت عظمت و اهمیت مسئلۀ توحید و هدف اصلی رسالت انبیاء مورد بحث قرار گرفته است. و گویا به عبارتی دیگر، این آیت رابطی است بین دو مضمون و دو اصل دین یعنی توحید و نبوت. آیت اظهار می‌دارد که هدف اصلی و اساسی کل انبیاء این بوده که توحید و یگانگی پروردگار را به مردم اعلام بکنند. یعنی چنین پیامبری وجود ندارد که بر او اصل توحید نازل نشده باشد یا او آن را به مردم اعلام نکرده باشد. البته ممکن است در احکام. احکام یکی را دیگری اعلام نکند و در احکام با هم دیگر فرق داشته باشند ولی در توحید احدی اختلاف ندارد. بلکه اساس دین هر رسول و هدف اصلی و اساسی هر نبی بوده است. از طرفی دیگر، آیت این مسئله را روشن می‌کند که فقط پذیرفتن الله یا به اصطلاح فقط ایمان به الله کافی نیست. بلکه الله را با صفت یگانگی و توحید پذیرفتن شرط ایمان است زیرا مشرک الله را انکار نمی‌کند بلکه با پذیرفتن خالقیت و مالکیت او دیگران را در سجده، نداء و عبادات شریک قرار می‌دهد.

تمرین

پس از حفظ کلمات و ترجمهٔ آیت سؤالات زیر را پاسخ بدهید:

۱- هدف بعثت انبیاء چیست؟

نبوت ۱

﴿تِلۡكَ حُدُودُ ٱللَّهِۚ وَمَن يُطِعِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ يُدۡخِلۡهُ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَاۚ وَذَٰلِكَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡعَظِيمُ ١٣ وَمَن يَعۡصِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُۥ يُدۡخِلۡهُ نَارًا خَٰلِدٗا فِيهَا وَلَهُۥ عَذَابٞ مُّهِينٞ ١٤﴾ [النساء: ۱۳-۱۴].

«این مرزهای الهی است و هرکس اطاعت کند از الله و رسولش، الله او را در باغ‌هایی داخل می‌کند که زیر آن نهرهای جاری است، و در آن همیشه می‌مانند، و همین است پیروزی بزرگ (۱۳) و هر کسی که از الله و رسولش سرپیچی کند و از مرزهایش تجاوز کند او را در آتش (جهنم) داخل می‌کند و برای او عذاب رسواکننده‌ای است».

تفسیر

در این آیات گوشزد شده است که اطاعت رسول ﷺ مانند اطاعت الله ضروری و واجب و عامل دخول بهشت است، و حتی به تنهایی اطاعت الله بدون اطاعت رسول ﷺ موجب رستگاری و نجات از جهنم و دخول بهشت نخواهد بود آن طوری که عده عقیده دارند که حیثیت رسول ﷺ مانند یک نفر نامه‌رسان است و قرآن مثل یک نامه است و بر ما فقط اطاعت دستور الله که قرآن است واجب است. این همه دروغ و خلاف این آیت است بلکه آیت اظهار می‌دارد که هر دستور پیامبر ﷺ عیناً دستور الله است و اطاعت از هر دو دستور و قانون مجموعاً می‌تواند موجب نجات قرار بگیرد نه تنها یکی، و مراد از دستور الله قرآن و از دستور رسول ﷺ احادیث و سنت رسول الله ﷺ است.

تمرین

الف- آیت را حفظ بکنید.

ب- ترجمۀ آیت را حفظ بکنید.

ج- سؤالات زیر را پاسخ بدهید:

۱- آیا بر مؤمن فقط اطاعت الله واجب است یا اطاعت الله و رسولش هر دو؟

۲- مراد از دستور الله و دستور رسول‌الله ﷺ چیست؟

۳- آیا حدیث و سنت پیامبر نیز مانند آیت قرآن واجب‌العمل است؟

نبوت ۲

﴿وَمَآ أَرۡسَلۡنَا مِن رَّسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذۡنِ ٱللَّهِۚ وَلَوۡ أَنَّهُمۡ إِذ ظَّلَمُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ جَآءُوكَ فَٱسۡتَغۡفَرُواْ ٱللَّهَ وَٱسۡتَغۡفَرَ لَهُمُ ٱلرَّسُولُ لَوَجَدُواْ ٱللَّهَ تَوَّابًا رَّحِيمًا ٦٤ فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤۡمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيۡنَهُمۡ ثُمَّ لَا يَجِدُواْ فِيٓ أَنفُسِهِمۡ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيۡتَ وَيُسَلِّمُواْ تَسۡلِيمًا ٦٥﴾ [النساء: ٦٤-٦٥].

«و نه فرستاده‌ایم هیچ رسولی را مگر اینکه باید از او اطاعت بشود به دستور الله. و اگر این‌هایی که بر خویشتن ظلم کرده بودند (که از دستور پیامبر ﷺ سرپیچی کرده بودند) پیش تو ای پیامبر ﷺ (برای عذرخواهی) می‌آمدند سپس از خدا مغفرت می‌خواستند و رسول‌الله ﷺ هم برایشان از خدا بخشش می‌خواست حتماً الله را توبه‌پذیر و مهربان می‌یافتند (۶۴) (ولی چون این کار را نکردند الله هم آنها را نمی‌بخشد) پس قسم به پروردگارت که آنها مؤمن نمی‌باشند تا زمانی که تو را در اختلاف شان داور قرار ندهند و سپس در دلشان هم عقده و نارضایتی ای نسبت به داوری تو نداشته باشند و از هر نظر در مقابل داوری تو تسلیم گردند».

تفسیر

آیات فوق در مذمت منافقین است که نسبت به داوری پیامبر ﷺ اکراه داشتند و ناراضی بودند و به جای اینکه اعتراف تقصیر گذشته نموده از آن اظهار ندامت کنند و برای جبران آن در آتیه قول بدهند. برعکس دوری مخالفت و کینه رسول‌الله ﷺ را در دل دارند. به همین جهت در آیات

موردملامت قرارگرفته‌اند و غیر مؤمن بودنشان افشاء شده است، و در آیات از شرایط ایمان سه چیز معرفی شده است ... .

۱- مؤمن کسی است که در اختلافات خود رسول‌الله ﷺ یعنی قانون و سنت او را داور و معیار قرار بدهد.

۲- مؤمن کسی است که بعد از داوری رسول ﷺ در دل هیچ‌گونه کینه بغض و نفرت از آن نباید داشته باشد.

۳- مؤمن کسی است که نسبت به داوری رسول ﷺ نه با زبان نه هم با اشارات و کنایات مخالفت خود را بروز بدهد.

تمرین

پس از حفظ کلمات و ترجمهٔ آیات به سؤالات زیر پاسخ بدهید:

۱- آیات در مذمت چه کسانی است؟

۲- چه خصلتی از منافقین در این آیات ملامت و افشاء شده است؟

۳- در این آیات کدام شرایط ایمان معرفی شده است؟

نبوت ۳

﴿وَمَن يُطِعِ ٱللَّهَ وَٱلرَّسُولَ فَأُوْلَٰٓئِكَ مَعَ ٱلَّذِينَ أَنۡعَمَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِم مِّنَ ٱلنَّبِيِّـۧنَ وَٱلصِّدِّيقِينَ وَٱلشُّهَدَآءِ وَٱلصَّٰلِحِينَۚ وَحَسُنَ أُوْلَٰٓئِكَ رَفِيقٗا ٦٩ ذَٰلِكَ ٱلۡفَضۡلُ مِنَ ٱللَّهِۚ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ عَلِيمٗا ٧٠﴾ [النساء: ٦٩-٧٠].

«و هرکس از الله و رسول ﷺ اطاعت کند پس او باکسانی خواهد بود که الله بر آنها انعام کرده است، یعنی با پیامران، صدیقان، شهیدان و صالحان و این‌ها بهترین رفیق‌اند (۶۹) و این فضل (خاصی) است از طرف الله، و کافی است الله به دانایی».

تفسیر

در این آیات رفاقت بندگان انعام شده در روز قیامت در مجموع اطاعت الله و رسول او منحصراً اعلام شده است، و این اطاعت الله و رسول ﷺ که عامل دخول بهشت و همراهی منعم علیهم است فضل بزرگی از طرف خداوند متعال اعلام شده است. و پرواضح است که منظور از اطاعت الله اطاعت قوانین در قرآن است و اطاعت از رسول الله ﷺ اطاعت از قول و عمل پیامبر ﷺ (به عبارتی دیگر از سنت پیامبر ﷺ) است والا ذکر و نام لزومی نداشت. چون قرآن و سنت هر دو از زبان رسول ﷺ به مردم می‌رسید از این نظر اگر گفته می‌شد از رسول ﷺ اطاعت کنید کافی بود و از این نظر که در حقیقت قرآن و سنت هر دو وحی الهی است کافی بود که گفته شود از الله اطاعت کنید. با این تعبیر قرآن می‌خواهد گوشزد کند که اگرچه قرآن

و سنت از نظر درجه و مقام از نظر متلو و غیر متلو بودن با هم فرق دارند ولی از نظر معیار و ملاک بودن و از نظر واجب العمل بودن یکی هستند.

تمرین

بعد از حفظ الفاظ و معانی آیات به سؤالات زیر پاسخ بدهید.

۱- مراد از اطاعت الله و اطاعت رسول ﷺ چیست؟

۲- آیا برای نجات و رستگاری انسان ایمان و عمل بر قرآن کافی است یا عمل و اعتقاد بر حدیث نیز واجب است؟

نبوت ۴

﴿وَمَا كَانَ لِمُؤۡمِنٖ وَلَا مُؤۡمِنَةٍ إِذَا قَضَى ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥٓ أَمۡرًا أَن يَكُونَ لَهُمُ ٱلۡخِيَرَةُ مِنۡ أَمۡرِهِمۡۗ وَمَن يَعۡصِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ فَقَدۡ ضَلَّ ضَلَٰلٗا مُّبِينٗا ٣٦﴾ [الأحزاب: ٣٦].

«جائز نیست برای هیچ مرد و زن مؤمن هر زمانی که الله و رسولش در مورد امری از امورشان تصمیم بگیرند که از خود اختیاری داشته باشند و هرکس سرپیچی کند از دستور الله و رسولش بس به تحقیق گمراه شد گمراهی آشکاری».

تفسیر

شأن نزول آیت واقعهٔ خاصی دارد و آن این که پیامبر ﷺ می‌خواست پسر خوانده خویش (زیدبن حارثه) را با دخترعمه‌اش زینب بنت امیمه بنت عبدالمطلب عقد ببندد ولی زید چون مدتی به اصطلاح غلام مانده بود زینب و اولیاء او به علت عدم ترویج این نوع عقد (غلام با زن آزاده) کمی قلباً اکراه داشتند و پیامبر ﷺ می‌خواست این رسم جاهلیت را از بین ببرد و ابتدا از خود بکند و خواست که زینب را که یکی از نزدیک‌ترین بستگانش بود با زیدبن حارثه عقد بسته عملاً نشان بدهد که این رسم پوچ و بیهودهٔ است و باید آن را از بین برد همچنان که من پیشقدم شده‌ام. زینب و اولیاء او هنوز مطمئن نبودند که این رأی شخصی پیامبر ﷺ به عنوان مشوره است یا امری شرعی و تکلیفی است ضروری؟ آیت به آنها گوشزد کرد که این تکلیفی است ضروری و شرعی که حتماً باید انجام بگیرد چنانچه آنها تسلیم شده این پیشنهاد را با صدق دل پذیرفتند. حالا اگرچه این واقعهٔ بخصوص موجب و

عامل نزول آیت قرار گرفته است ولی حکم آن عام است و همیشگی. یعنی بعد از دستور پیامبر ﷺ (اگرچه به صورت آیت قرآنی نباشد) احدی از مؤمنین به بهانۀ اینکه این دستور در قرآن نیست حق سرپیچی ندارد زیرا گفتۀ پیامبر ﷺ عین گفتۀ الله است واجب العمل است ولو اینکه به صورت حدیث است نه به صورت آیت قرآن و اگرچه در مورد امور عبادی نیست بلکه در امور خانوادگی است.

تمرین

بعد از حفظ الفاظ و ترجمۀ آن به سؤالات زیر پاسخ بدهید:

۱- آیت فوق در مورد چه واقعۀ نازل شده است؟

۲- آیا حکم آن مختص همان افراد است یا برای همۀ مؤمنین؟

۳- آیا حکم پیامبر ﷺ که در قرآن ذکر نیست واجب‌العمل است یا خیر؟

معاد ۱

﴿أَوَ لَمۡ يَرَ ٱلۡإِنسَٰنُ أَنَّا خَلَقۡنَٰهُ مِن نُّطۡفَةٖ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٞ مُّبِينٞ ٧٧ وَضَرَبَ لَنَا مَثَلٗا وَنَسِيَ خَلۡقَهُۥۖ قَالَ مَن يُحۡيِ ٱلۡعِظَٰمَ وَهِيَ رَمِيمٞ ٧٨ قُلۡ يُحۡيِيهَا ٱلَّذِيٓ أَنشَأَهَآ أَوَّلَ مَرَّةٖۖ وَهُوَ بِكُلِّ خَلۡقٍ عَلِيمٌ ٧٩ ٱلَّذِي جَعَلَ لَكُم مِّنَ ٱلشَّجَرِ ٱلۡأَخۡضَرِ نَارٗا فَإِذَآ أَنتُم مِّنۡهُ تُوقِدُونَ ٨٠ أَوَ لَيۡسَ ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ بِقَٰدِرٍ عَلَىٰٓ أَن يَخۡلُقَ مِثۡلَهُمۚ بَلَىٰ وَهُوَ ٱلۡخَلَّٰقُ ٱلۡعَلِيمُ ٨١ إِنَّمَآ أَمۡرُهُۥٓ إِذَآ أَرَادَ شَيۡـًٔا أَن يَقُولَ لَهُۥ كُن فَيَكُونُ ٨٢ فَسُبۡحَٰنَ ٱلَّذِي بِيَدِهِۦ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيۡءٖ وَإِلَيۡهِ تُرۡجَعُونَ ٨٣﴾ [یس: ۷۷-۸۳].

«آیا ندید انسان که ما از چه آفریدیم او را از نطفه؟ پس ناگهان او جدل‌بازی است آشکار (۷۷) و زد دربارۀ ما مثال، و آفرینش خود را فراموش کرد. گفت: چه کسی زنده می‌کند استخوان‌ها را در حالی که آنها گرد شده‌اند؟! (۷۸) بگو (ای پیامبر ﷺ) آن را زنده می‌کند کسی که آن را بار اول آفرید، و او به آفرینش هر نوبت دانا است (۷۹) کسی که ساخت برایتان از درخت سبز آتشی که آنگاه شما از آن آتش روشن می‌کنید (۸۰) آیا مگر کسی که آفرید آسمان‌ها و زمین را توانا نیست که مثل‌شان را (یعنی خودشان را بار دوم) بیافریند؟ چرا. و او است خلاق دانا (۸۱) همانا (روش) کارش این است که بخواهد کاری می‌گوید به آن بشو بلافاصله می‌شود (۸۲) پس پاک است از شریک کسی که اختیار هر چیز در دست او است، و به‌سوی او برگردانده می‌شود».

تمرین

پس از حفظ کلمات و ترجمه آن به سؤالات زیر پاسخ بدهید.

۱- چه کسی انسان را از نطفه آفرید؟

۲- الله به کسی که گفت: چه کسی استخوان‌های گرد شده را می‌آفریند؟ چه پاسخ داد؟

۳- روش کار خداوند در آفریدن چیست؟

۴- از دلایل فوق چه نتیجه می‌گیرید؟

معاد ۲

﴿فَإِذَا جَآءَتِ ٱلصَّآخَّةُ ٣٣ يَوۡمَ يَفِرُّ ٱلۡمَرۡءُ مِنۡ أَخِيهِ ٣٤ وَأُمِّهِۦ وَأَبِيهِ ٣٥
وَصَٰحِبَتِهِۦ وَبَنِيهِ ٣٦ لِكُلِّ ٱمۡرِيٕٖ مِّنۡهُمۡ يَوۡمَئِذٖ شَأۡنٞ يُغۡنِيهِ ٣٧ وُجُوهٞ يَوۡمَئِذٖ
مُّسۡفِرَةٞ ٣٨ ضَاحِكَةٞ مُّسۡتَبۡشِرَةٞ ٣٩ وَوُجُوهٞ يَوۡمَئِذٍ عَلَيۡهَا غَبَرَةٞ ٤٠ تَرۡهَقُهَا قَتَرَةٌ
٤١ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡكَفَرَةُ ٱلۡفَجَرَةُ ٤٢﴾ [عبس: ۳۳-۴۲].

«پس هرگاه که فرارسید گوش خراش (۳۳) روزی که فرار می‌کند هر شخص از برادرش (۳۴) و از مادرش و از پدرش (۳۵) و از زنش و از پسرانش (۳۶) هر شخص از این‌ها در آن روز به حالی گرفتار خواهد بود (که به فکر دیگری اصلاً نمی‌رسد) (۳۷) صورت‌هایی در آن روز گردآلود خواهد بود (۴۰) فرا می‌گیرد آنها را سیاهی (۴۱) این‌ها کافران گناهکار هستند».

تفسیر

خداوند متعال در این آیات صحنه قیامت را طوری جلو روی انسان مجسم می‌کند که کاملاً برایش وضع آنجا روشن گردد در این آیات قیامت بنام صاخه (گوش‌خراش) معرفی شده است که اشاره است به صدای مهیب و وحشتناک آن که نزدیک است که پردۀ از بین ببرد. و بیم و هراس آن روز به قدری خواهد بود که انسان از محبوب‌ترین افراد خانوادۀ خویش از قبیل برادر، پدر و مادر و زن و بچه و غیره فراری و متواری خواهد بود تا مبادا من در جرائم‌شان اسیر نشوم یا آنها از من کمکی نخواهند و آن روز هر یکی در حالی گرفتار یا سرگرم خواهد بود که به فکر کسی و چیزی دیگر نمی‌افتد. چون عدۀ که خندان و خوشحال‌اند به نعمت‌هایشان سرگرم‌اند و عده که

قیافه گردآلودی و صورت سیاهی دارند به مشکلاتی گرفتار خواهند بود که فرصت فکر چیزی دیگر نخواهند یافت.

تمرین

پس از حفظ کلمات و ترجمه آن به سؤالات زیر پاسخ بدهید.

۱- قیامت در این آیات با چه نامی موسوم شده است؟ و علت این نامگذاری چیست؟

۲- انسان چرا از بستگان نزدیکش فرار می‌کند؟

۳- کلمات زیر را ترجمه کنید : «یفر - صاحبته - امْرِئٍ - یومئذ - وجوه - مسفرة - مستبشرة - ضاحکة - غبرة - قترة -کفرة - فجرة».

مقام صحابه ۱

﴿فَإِنۡ ءَامَنُواْ بِمِثۡلِ مَآ ءَامَنتُم بِهِۦ فَقَدِ ٱهۡتَدَواْۖ وَّإِن تَوَلَّوۡاْ فَإِنَّمَا هُمۡ فِي شِقَاقٖۖ فَسَيَكۡفِيكَهُمُ ٱللَّهُۚ وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ ١٣٧ صِبۡغَةَ ٱللَّهِ وَمَنۡ أَحۡسَنُ مِنَ ٱللَّهِ صِبۡغَةٗۖ وَنَحۡنُ لَهُۥ عَٰبِدُونَ ١٣٨﴾ [البقرة: ۱۳۷-۱۳۸].

«پس اگر ایمان آوردند به آنچه که شما به آن ایمان دارید (و به همان طریقی که شما ایمان دارید) پس شکی نیست که هدایت یافتند و اگر رو بگردانند پس بدون شک آنها در مخالفت‌اند. پس برای تو در مقابلشان الله کافی است. و او است بزرگ‌ترین شنوا و دانا (۱۳۷) (پذیرفتیم) رنگ الله را، و کیست زیباتر از رنگ الله و ما فقط او را عبادت گذاریم».

تفسیر

در جهان هر چیز آلۀ سنجش دارد که توسط آن خوبی و بدی، سنگینی و سبکی، حجم، طول و عرض و ... اندازه‌گیری می‌شود. در این آیت خداوند متعال آلۀ سنجش و ترازوی ایمان را معرفی می‌کند که آن آلۀ «ایمان اصحاب رسول رضوان الله علیهم اجمعین» است. کسانی که توسط خود رسول الله ﷺ قلبشان تزکیه، عملشان خالص و ایمانشان به حدی مکمل شده است که معیار و الگوی دیگران قرار گرفته است. چنانچه خداوند می‌فرماید که اهل کتاب (و همچنان همۀ مردم بعدی) اگر به همان صورت ایمان بیاورند که شما ای اصحاب رسول ﷺ ایمان آورده‌اید، به همین صورت در ایمان و اعتقاد پخته و راسخ و خالص و مخلص، وفادار با رسول‌الله ﷺ، محافظ دین الله، و مبلغ آن قرار بگیرند پس هدایت یافته‌اند والا ... نه،

بنابراین، کسی که عقیده، عمل، عبادت، اخلاق و معاشرت او مخالف عقاید و اعمال و ... اصحاب باشد و حتی معتقد باشد که خود اصحاب پیامبر ﷺ منافق، غاصب، ظالم، و خائن بوده‌اند او از نظر خداوند قرآن خودش ایمان ندارد، و از هدایت خیلی پرت است. و اگر دقت شود این نوع افراد در حقیقت نسبت به پیامبر ﷺ توهین می‌کنند که او نتوانسته شاگردان خودش را درست تربیت کند بلکه از آن هم بالاتر رفته گفته خدا را دارند تکذیب می‌کنند گویا این نوع فرد در حقیقت می‌گوید: این گفته الله دروغ است و اصحاب همگی یا اکثریت قریب به تمامشان افراد ناشایسته بوده‌اند.

تمرین

پس از حفظ کلمات و ترجمهٔ آن به سؤالات زیر پاسخ بدهید.

۱- از نظر قرآن آله سنجش ایمان چیست؟

۲- آیا بدون پذیرفتن اصحاب می‌توان مؤمن شد؟

۳- آیا منکر مقام صحابه در حقیقت منکر خدا و رسول ﷺ نیست؟

مقام صحابه ۲

﴿وَٱلسَّٰبِقُونَ ٱلۡأَوَّلُونَ مِنَ ٱلۡمُهَٰجِرِينَ وَٱلۡأَنصَارِ وَٱلَّذِينَ ٱتَّبَعُوهُم بِإِحۡسَٰنٖ رَّضِيَ ٱللَّهُ عَنۡهُمۡ وَرَضُواْ عَنۡهُ وَأَعَدَّ لَهُمۡ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي تَحۡتَهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدٗاۚ ذَٰلِكَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡعَظِيمُ ١٠٠﴾ [التوبة: ۱۰۰].

«و مهاجرین و انصاری که سابق و اول‌اند و کسانی که از ایشان به خوبی (با صداقت و اخلاص) پیروی کردند، الله از همهٔ آنها راضی است، و آنها از الله راضی‌اند، و خداوند برای ایشان باغ‌های تهیه کرده است که زیر آن نهرهای (زیاد و گوناگونی) جاری است. همیشه و ابد در آن می‌مانند. همان است پیروزی بزرگ».

تفسیر

در این آیت خداوند متعال برای اصحاب رسول الله ﷺ فضایل زیر را ذکر کرده است:

۱- الله از آنها راضی است و آنها از الله.

۲- الله برای آنها باغ‌های تهیه کرده است.

۳- باغ‌ها دارای نهرهای زیاد و گوناگونی‌اند.

۴- آنها همیشه در این نعمت‌ها می‌مانند.

۵- رضایت الله شامل کسانی نیز می‌باشد که از این‌ها به خوبی پیروی بکنند. و این فضایل به خاطر اعمال زیر به آنها رسیده است.

۱- در هجرت یا نصرت از همه جلوتر و از همه اعلی‌تراند.

۲- در زمان احتیاج شدید اسلام با جان و مال به اسلام کمک کرده‌اند.

۳- و عده که در آن زمان نبودند بعدها بوجود آمدند اما راهشان را ادامه دادند و از آنها پیروی کردند و به آنها عشق ورزیدند، بدین طریق لایق فضایل قرار گرفتند.

تمرین

پس از حفظ آیت و ترجمهٔ آن به سؤالات زیر پاسخ بدهید:

۱- در این آیت فضیلت چه کسانی ذکر شده است؟

۲- چه فضایلی ذکر شده است؟

۳- این فضیلت به علت چه اعمالی به آنها رسیده است؟

مقام صحابه ۳

﴿وَمَا لَكُمۡ أَلَّا تُنفِقُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَلِلَّهِ مِيرَٰثُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ لَا يَسۡتَوِي مِنكُم مَّنۡ أَنفَقَ مِن قَبۡلِ ٱلۡفَتۡحِ وَقَٰتَلَۚ أُوْلَٰٓئِكَ أَعۡظَمُ دَرَجَةٗ مِّنَ ٱلَّذِينَ أَنفَقُواْ مِنۢ بَعۡدُ وَقَٰتَلُواْۚ وَكُلّٗا وَعَدَ ٱللَّهُ ٱلۡحُسۡنَىٰۚ وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ خَبِيرٞ ١٠﴾ [الحدید: ۱۰].

«و چیست شما را که در راه الله انفاق نمی‌کنید؟ در صورتی که همهٔ دارایی آسمان‌ها و زمین فقط برای الله باقی می‌ماند. کسی از شما برابری نمی‌کند با کسانی که قبل از فتح مکه مال خرج کرده‌اند و جنگیده‌اند (در راه الله). (البته) برای هر یک (از این دو گروه) الله وعده نیکو داده‌است، و الله به آنچه که می‌کنید باخبر است».

تفسیر

در این آیت خداوند متعال ضمن ترغیب مؤمنین به جهاد و انفاق آنها را به اعتبار ارزش کار و زحمت و فعالیتشان به نفع دین به دو گروه تقسیم می‌کند.

یکی- گروهی که قبل از فتح مکه (پیروز انقلاب رسول‌الله ﷺ در کشورش) ایمان آورده با جان و مال برای پیشبرد و ترقی دین فداکاری کرده‌اند.

دیگری- گروهی که بعد از فتح مکه (پیروزی انقلاب رسول الله ﷺ) باور کردند که واقعاً این دین حق است، و رهبرش بالیقین پیام‌آور الله است. والا از نظر امکانات مادی و ظاهری پیروزیشان غیرممکن بود. و با ایمان و باور صادقانه خویش با رسول‌الله ﷺ پیمان وفاداری بستند و از این به بعد با جان

و مال فداکاری می‌کردند. خداوند متعال به هر دو گروه وعده نیکو یعنی وعده بهشت می‌دهد. اما با این تفکیک که درجات گروه اول خیلی برتر و عالی است. چون ارزش کاریشان برای هرکس واضح است که بیشتر است. البته چون ممکن بود عده نادان تصور کنند که گروه دوم به علت ترس یا طمع در پست و مقام‌های اسلامی ایمان آورده‌اند، تذکر داد که خیر این گروه نیز صادقانه ایمان آورده و مستحق مژده بهشت شده است. چون اگر اصلاً ایمان نمی‌آوردند و هیچ‌گونه پیمان وفایی نمی‌بستند ولی دست از مخالفت و دشمنی می‌کشیدند و یا بی‌تفاوت می‌ماندند در دین و حکومت رسول الله ﷺ هیچ‌گونه مجازاتی و محرومیت از حقوق اجتماعی نداشتند. بنابراین، روشن است که آنها بدون ترس یا طمع صادقانه ایمان آورده و پیمان بسته‌اند لذا مستحق بهشت در آخرت و احترام در دنیا می‌باشند.

تمرین

پس از حفظ کلمات و ترجمۀ آیت به سؤالات زیر پاسخ بدهید:

۱- آیت مؤمنین و اصحاب را به چند گروه تقسیم کرده است؟ هر یکی را نام ببرید.

۲- علت برتری گروه اول چیست؟

۳- علت پاداش گروه دوم چیست؟

مقام صحابه ۴

﴿لَّقَدۡ رَضِيَ ٱللَّهُ عَنِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ إِذۡ يُبَايِعُونَكَ تَحۡتَ ٱلشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمۡ فَأَنزَلَ ٱلسَّكِينَةَ عَلَيۡهِمۡ وَأَثَٰبَهُمۡ فَتۡحٗا قَرِيبٗا ١٨ وَمَغَانِمَ كَثِيرَةٗ يَأۡخُذُونَهَاۗ وَكَانَ ٱللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمٗا ١٩ وَعَدَكُمُ ٱللَّهُ مَغَانِمَ كَثِيرَةٗ تَأۡخُذُونَهَا فَعَجَّلَ لَكُمۡ هَٰذِهِۦ وَكَفَّ أَيۡدِيَ ٱلنَّاسِ عَنكُمۡ وَلِتَكُونَ ءَايَةٗ لِّلۡمُؤۡمِنِينَ وَيَهۡدِيَكُمۡ صِرَٰطٗا مُّسۡتَقِيمٗا ٢٠ وَأُخۡرَىٰ لَمۡ تَقۡدِرُواْ عَلَيۡهَا قَدۡ أَحَاطَ ٱللَّهُ بِهَاۚ وَكَانَ ٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٗا ٢١ وَلَوۡ قَٰتَلَكُمُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَوَلَّوُاْ ٱلۡأَدۡبَٰرَ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وَلِيّٗا وَلَا نَصِيرٗا ٢٢﴾ [الفتح: ١٨-٢٢].

«به تحقیق راضی شد الله (تعالی) از مؤمنین زمانی که بیعت کردند با تو (ای پیامبر ﷺ) زیر درخت خاصی، پس (چون) دانست آنچه را که در دل‌هایشان است پس فرودآورد سکینه را برایشان و بطور مزد داد ایشان را پیروزی‌ای نزدیک (متصل بعد از بیعت) (۱۸) و غنیمت‌های زیادی است که می‌گیرند آن را. و هست الله غالب با حکمت (۱۹) و نوید می‌دهد به شما الله برای غنیمت‌های که می‌گیرید آن را پس (این غنیمت‌های که در آیت ۱۹ ذکر شد را) بطور نقد و عاجلانه داد به شما. و دست مردم را از سر شما کوتاه کرد. و تا باشد نشانه‌ای برای (ایمان) مؤمنین و تا همیشه شما را بر راه راست هدایت کند (۲۰) و (نوید می‌دهد به شما به فتوحات) دیگری که الان بر آن توان ندارید (ولی یقیناً الله آن را احاطه کرده است، و هست الله بر هر چیز توانا (۲۱) و اگر بجنگند با شما کسانی که کافراند پشت گردانده فرار خواهند کرد سپس نخواهد یافت (برای خود) پیشتیبانی و نه یاوری».

تفسیر

آیات فوق مشتمل بر انعاماتی است که خداوند متعال به اصحابی که در حدیبیه بیعت رضوان را انجام داده بودند. بنابراین لازم است که مختصر داستان سفر به حدیبیه و علل و عوامل بیعت رضوان تشریح گردد تا مفهوم کاملاً قابل فهم گردد.

داستان سفر و علت بیعت

در سنۀ ۶ هـ ق پیامبر اکرم ﷺ خواب دید که ایشان همراه با عدۀ از اصحابش به مکه مکرمه وارد شده‌اند و پس از پایان مناسک عمره عدۀ مشغول تراشیدن و عدۀ به کوتاه کردن موها (که علامت اتمام مناسک حج و عمره است) آن حضرت ﷺ این جواب را با دوستان تعریف کردند آنها نیز بسیار خوشحال شدند.

بالاخره در ماه ذیقعده سنۀ ۶ هـ آن حضرت ﷺ همراه با جماعت بزرگی مشتمل بر ۱۴۰۰ نفر به نیت عمره به سوی مکه حرکت کردند. همه احرام بسته، هدایا و نذورات خانۀ خدا با قلادها و علائم مخصوص همراه بود تا هرکس با اولین نگاه بتواند تشخیص بدهد این‌ها زائران خانه خدا هستند. و کاری با جنگ و شلوغی ندارند. اما همین ورودشان به مکه مکرمه آزادانه و راحت مناسک حج یا عمره را انجام دادن و برگشتن از نظر سیاسی پوزۀ حکومت مکه را به خاک می‌مالید زیرا مدینۀ منوره کشور نوزاد اسلامی به رهبری پیامبر ﷺ همیشه با اهل مکه درگیر جنگ بود و از نظر امکانات مالی و مادی نیز اهل مکه مجهزتر بودند. بنابراین، پیامبر ﷺ و همرایانش که از اهالی کشوری دیگراند بدون اجازه و حتی بدون کوچک‌ترین اعتناء به اینکه مکه هم حکومتی جداگانه دارد و نمی‌دانیم به ما اجازه ورود می‌دهد یا خیر؟ حرکت کرده‌اند واقعاً برای اهل مکه خیلی رنج‌آور و سخت بود ولی

چکار بکنند؟ اگر جلویشان را بگیرند همه ملت مکه و عشایر دور بر آن مخالفت می‌کنند زیرا در دین بت‌پرستی خودشان نیز شهر مکه شهر امنی بود بخصوص برای زائرین، احدی حق جلوگیری زائری را نداشت. در این اوضاع حکومت در دو راهی گیر کرده بود که بالاخره تصمیم گرفت تا با تبلیغات و شایعه‌پراکنی پیامبر ﷺ و همراهانش را منصرف بکنند. چنانچه زمانی که پیامبر ﷺ به رودخانهٔ در نزدیکی مکه بنام حدیبیه که جزء خاک مکه بود رسید. حکومت مکه عده را به عنوان رهگذر و مسافر فرستاد تا غیر مستقیم به پیامبر ﷺ بگویند که حکومت مکه لشکر بزرگی تهیه دیده است و به محض نزدیک شدن شما به مکه جلوی شما را می‌گیرند و با شما می‌جنگند پس بهتر است شما از همین‌جا برگردید. پیامبر ﷺ پس از مشوره با اصحاب رضی الله عنهم تصمیم گرفت تا برای تحقیق بیشتر و تا اینکه هدف پیامبر ﷺ توضیح داده شود حضرت عثمان رضی الله عنه را به عنوان قاصد به مکه فرستاد. رؤساء مکه به خود حضرت عثمان رضی الله عنه اجازهٔ طواف، عمره و غیره دادند اما برای پیامبر ﷺ و دیگر همراهانش راضی نشدند. و حضرت عثمان رضی الله عنه این پیشنهاد را رد کرد. رئیس مکه از این علل حضرت عثمان رضی الله عنه ناراحت شد و او را بازداشت کرد و شایع کرد که ما عثمان را اعدام کرده‌ایم. چون این خبر به پیامبر ﷺ رسید ناراحت شد فرمود: «از اینجا تکان نمی‌خوریم تا با قوم (قریش) نجنگیم و همهٔ مردم (اصحاب خودش) را به بیعت دعوت کرد. پس همگی بیعت کردند تا با قریش بجنگد و فرار نکنند (بلکه تا آخرین قطره خونشان بجنگند) و این بیعت زیر درختی بنام سمره انجام گرفت که تعداد بیعت‌کنندگان یک هزار و چهارصد نفر بود» تفسیر مدارک، ج ۴، ص ۱۱۲ به نقل از جواهر القرآن «چون این بیعت پیش خداوند متعال اهمیت و ارزش خاصی داشت چنانچه رسول اکرم ﷺ در مورد اصحاب حدیبیه می‌فرمود:

«اصحاب شجره که زیر آن این بیعت را انجام داده‌اند ان شاءالله احدی به دوزخ نخواهد رفت» [صحیح مسلم: ج ۲، ص ۳۰۳ به نقل از جواهر القرآن] لذا پیامبر اکرم ﷺ با در نظر گرفتن این احتمال که شاید کشته شدن حضرت عثمانس شایعۀ دروغین باشد پس نباید او از این فضیلت بیعت محروم بماند چنانچه دست چپ خود را به جای دست عثمانس در دست راست خود گذاشته از طرف او بنابر اعتمادی که بر او داشت بیعت انجام داده او را در این اجر و فضایل شریک گرداند. اصحاب حدیبیه بیعتی را که زیر درخت سمره انجام داده بودند به قدری صادقانه و با اخلاص بود که خداوند متعال ضمن اعلام رضایت کامل و ابدی خود از ایشان تقریباً چهارده انعام به عنوان جایزه در این آیات برایشان ابلاغ کرد که تفصیلشان ذیلاً درج می‌گردد.

۱- الله از همه اصحابی که زیر درخت سمره در حدیبیه بیعت کردند راضی است.

۲- راضی بودن خداوند به علت مؤمن بودنشان است ﴿لَّقَدۡ رَضِيَ ٱللَّهُ عَنِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ﴾.

۳- در بیعت صادق و مخلص‌اند.

۴- خداوند از قلبشان باخبر است که نه الان عیبی دارند و نه در آینده خواهند داشت، به همین جهت رضایت خودش را اعلام کرده است. (فقرۀ ۳ و ۴ - ﴿فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمۡ﴾).

۵- بر آنها سکینه نازل کرد ﴿فَأَنزَلَ ٱلسَّكِينَةَ عَلَيۡهِمۡ﴾.

۶- فتح قریب (فتح خیبر) را به عنوان جایزه به آنها داد ﴿وَأَثَٰبَهُمۡ فَتۡحٗا قَرِيبٗا﴾.

۷- و غنایم زیادی بدست می‌آورند (در حنین و غیره) ﴿وَمَغَانِمَ كَثِيرَةٗ يَأۡخُذُونَهَا﴾.

۸- وعدهٔ غنایم زیاد بعد از غنایم فوق (در فتح مکه) و ﴿وَعَدَكُمُ ٱللَّهُ مَغَانِمَ كَثِيرَةٗ تَأۡخُذُونَهَا﴾.

۹- غنیمت عاجلانه و سردستی و نقد (با خلع سلاح ۸۰ نفر از اهالی مکه در خود حدیبیه) ﴿فَعَجَّلَ لَكُمۡ هَٰذِهِۦ﴾.

۱۰- نگهداشتن دست دشمن از جنگ و حاضر شدنشان به صلح در حدیبیه ﴿وَكَفَّ أَيۡدِيَ ٱلنَّاسِ عَنكُمۡ﴾.

۱۱- این همه جوایز نشانهٔ مؤمن بودن اصحاب حدیبیه است ﴿وَلِتَكُونَ ءَايَةٗ لِّلۡمُؤۡمِنِينَ﴾

۱۲- همیشه برهدایت نگهداشتن ایشان ﴿وَيَهۡدِيَكُمۡ صِرَٰطٗا مُّسۡتَقِيمٗا﴾.

۱۳- فتوحات غیر متوقعه مانند فتح ایران و روم و غیره ﴿وَأُخۡرَىٰ لَمۡ تَقۡدِرُواْ عَلَيۡهَا﴾.

۱۴- شکست و فرار کفار در جنگ با اصحاب حدیبیه ﴿وَلَوۡ قَٰتَلَكُمُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَوَلَّوُاْ ٱلۡأَدۡبَٰرَ﴾.

این چهارده انعام جوایزی هستند که در آیات فوق برای اصحاب حدیبیه ذکر شده‌اند اما انعاماتی که در آیات دیگر همین سوره یا دیگر سوره‌ها و احادیث ذکر شده است علاوه بر این است. این همه انعام به خاطر بیعتی است که بنام بیعت رضوان معروف است حال باید دقت کرد که هدف این بیعت چه بوده که پیامبر ﷺ با ۱۴۰۰ نفر از اصحاب مخلص و مؤمنش با خدا پیمان می‌بندند. کاملاً روشن است که هدف گرفتن قصاص حضرت

عثمانس می‌باشد (که احتمال آن می‌رفت) از اینجا ارزش جان و ایمان حضرت عثمانس از نظر الله و رسولش روشن می‌شود. مسلم است کسی که با عثمانس مخالف باشد یا او را عیب‌جویی کند گویا از خدا و رسولش ایراد می‌گیرد و گویا این آیات قرآن را قبول ندارد.

تمرین

پس از حفظ آیات و ترجمه آن به سؤالات زیر پاسخ بدهید ...

۱- سفر به حدیبیه در چه ماه و چه سالی پیش آمد و همراهان رسول الله ﷺ چند نفر بودند؟

۲- سفر عمره یا حج رسول الله ﷺ چه ضربه برای کفار مکه داشت و آنها چه تدبیری اختیار کردند؟

۳- انعامات اصحاب حدیبیه را نام ببرید.

اخلاق ۱

﴿قُلۡ تَعَالَوۡاْ أَتۡلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمۡ عَلَيۡكُمۡۖ أَلَّا تُشۡرِكُواْ بِهِۦ شَيۡـٔٗاۖ وَبِٱلۡوَٰلِدَيۡنِ إِحۡسَٰنٗاۖ وَلَا تَقۡتُلُوٓاْ أَوۡلَٰدَكُم مِّنۡ إِمۡلَٰقٖ نَّحۡنُ نَرۡزُقُكُمۡ وَإِيَّاهُمۡۖ وَلَا تَقۡرَبُواْ ٱلۡفَوَٰحِشَ مَا ظَهَرَ مِنۡهَا وَمَا بَطَنَۖ وَلَا تَقۡتُلُواْ ٱلنَّفۡسَ ٱلَّتِي حَرَّمَ ٱللَّهُ إِلَّا بِٱلۡحَقِّۚ ذَٰلِكُمۡ وَصَّىٰكُم بِهِۦ لَعَلَّكُمۡ تَعۡقِلُونَ ١٥١ وَلَا تَقۡرَبُواْ مَالَ ٱلۡيَتِيمِ إِلَّا بِٱلَّتِي هِيَ أَحۡسَنُ حَتَّىٰ يَبۡلُغَ أَشُدَّهُۥۚ وَأَوۡفُواْ ٱلۡكَيۡلَ وَٱلۡمِيزَانَ بِٱلۡقِسۡطِۖ لَا نُكَلِّفُ نَفۡسًا إِلَّا وُسۡعَهَاۖ وَإِذَا قُلۡتُمۡ فَٱعۡدِلُواْ وَلَوۡ كَانَ ذَا قُرۡبَىٰۖ وَبِعَهۡدِ ٱللَّهِ أَوۡفُواْۚ ذَٰلِكُمۡ وَصَّىٰكُم بِهِۦ لَعَلَّكُمۡ تَذَكَّرُونَ ١٥٢ وَأَنَّ هَٰذَا صِرَٰطِي مُسۡتَقِيمٗا فَٱتَّبِعُوهُۖ وَلَا تَتَّبِعُواْ ٱلسُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمۡ عَن سَبِيلِهِۦۚ ذَٰلِكُمۡ وَصَّىٰكُم بِهِۦ لَعَلَّكُمۡ تَتَّقُونَ ١٥٣﴾ [الأنعام: ۱۵۱-۱۵۳].

«بگو (ای پیامبر ﷺ) بیایید تا بخوانم آنچه را که پروردگار شما بر شما حرام کرده که ۱- شریک نکنید با او چیزی را ۲- و با پدر و مادر (نه تنها بد اخلاقی نکنید بلکه) احسان بکنید ۳- و فرزندانتان را از ترس گرسنگی و فقر نکشید (زیرا) ما به خود شما و آنها روزی می‌دهیم ۴- و به کارهای خلاف عفت اصلاً نزدیک نشوید، اعم از این که ظاهر و علنی باشد یا پنهان ۵- و جانی را که خدا محترم و از بین بردنش را حرام قرار داده‌است بناحق قتل نکنید. به این توصیه کرد شما را تا به عقل بیایید (۱۵۲) ۶- و به مال یتیم اصلاً نزدیک نروید مگر به منظوری که بهتری دارد تا به جوانی و عقل و فهم برسد ۷- و کامل بکنید پیمانه و ترازو را با انصاف. ما مکلف نمی‌کنیم کسی را مگر به قدر توانش ۸- و هرگاه چیزی گفتید عدالت را در نظر داشته

باشید ولو اینکه طرف از بستگان نزدیکتان باشد، و تعهدات الله را انجام بدهید. شما را به این توصیه کرد تا پند بپذیرید (۱۵۳) و اینکه این راه من راست است، پس از آن پیروی بکنید و به دنبال راه‌های زیاد نباشید که شما را از راه او (الله) متفرق می‌کنند. به این توصیه کرد شما را تا خداترس و پرهیزگار باشید».

تفسیر

این آیات از بحث اخلاق از جامع‌ترین آیات‌اند که به ترتیب اول روش برخورد و اخلاق نسبت به الله، مورد بحث است که هیچ چیزی را اعم از جاندار، بی‌جان، زنده و مرده نیک یا بد با او شریک نکنید. و در هنگام مصیبت او را بخوانید زیرا این بدترین بد اخلاقی است نسبت به الله. سپس چون در بین مخلوق حق والدین مقدم بود دستور داد با آنها بدرفتاری نکنید بلکه علاوه بر ترک بدرفتاری باید با آنها احسان و نیکی بکنید از این نظر ﴿وَبِٱلۡوَٰلِدَيۡنِ إِحۡسَٰنًا﴾ بکار برد. و همچنین در مورد امور خلاف عفت و مال یتیم تعبیر قرآن این است که نزدیکشان نروید که هدف ترک مقدمات آن گناه است از قبیل نگاه کردن و و و ... زیرا بعد از انجام مقدمات کنترل نفس خیلی مشکل است بلکه اصلاً ناممکن است لذا بهتر است که برای خودداری از زنا با زن بیگانه در جای تنهایی ننشیند، به او نگاه نکند، صحبت و شوخی نکند تا دل گرایش پیدا نکند و به گناه اصلی مبتلا نکند. همچنان تعبیر عجیبی در دو استثناء بکار برده است یکی در مورد مال یتیم که نزدیک رفتنش حرام است مگر به صورتی که احسن باشد و منظور از صورت‌های احسن موارد زیر است: ۱- برای مخارج خود یتیم بکار ببرد. ۲- برای تجارت یا کارهای تولیدی بکار ببرد تا مال رشد کند و اضافه گردد اما به شرطی که نفعش قطعی و ضررش احتمال ضعیف داشته باشد. و استثناء

دوم در تکمیل کردن پیمانه و کفه ترازو است که هر چند بایع پیمانه یا کفهٔ ترازو را پر بکند اما امکان گنجاندن چند قطره یا چند دانه باقی است پس گویا تکمیل کردن پیمانه و ترازو ظاهراً غیر ممکن است در جمله ﴿لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾ همین را استثناء کرد که این مقدار کوچک چون معتنابه نیست و این کمی چون ناگزیر است معاف است. بلکه انسان مکلف است به قدر توان خودش کم نکند به از نظر منطق و فلسفه و نه آن کمی که در وزن طلا معتبر است در وزن گندم و جو و غیره باید مراعات گردد، چون در این صورت بشر به زحمت می‌افتاد خداوند او را معاف کرد.

تمرین

پس از حفظ آیات و تجربهٔ آن به سؤالات زیر پاسخ بدهید:

۱- در آیات فوق از چند حرام منع شده است؟ همه را نام ببرید.

۲- چرا در مورد والدین به جای نهی امری بکار رفته است؟

۳- موارد استثنایی استفادهٔ مال یتیم و وزن وکیل را نام ببرید.

اخلاق ۲

﴿قَدۡ أَفۡلَحَ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ١ ٱلَّذِينَ هُمۡ فِي صَلَاتِهِمۡ خَٰشِعُونَ ٢ وَٱلَّذِينَ هُمۡ
عَنِ ٱللَّغۡوِ مُعۡرِضُونَ ٣ وَٱلَّذِينَ هُمۡ لِلزَّكَوٰةِ فَٰعِلُونَ ٤ وَٱلَّذِينَ هُمۡ لِفُرُوجِهِمۡ
حَٰفِظُونَ ٥ إِلَّا عَلَىٰٓ أَزۡوَٰجِهِمۡ أَوۡ مَا مَلَكَتۡ أَيۡمَٰنُهُمۡ فَإِنَّهُمۡ غَيۡرُ مَلُومِينَ ٦
فَمَنِ ٱبۡتَغَىٰ وَرَآءَ ذَٰلِكَ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡعَادُونَ ٧ وَٱلَّذِينَ هُمۡ لِأَمَٰنَٰتِهِمۡ
وَعَهۡدِهِمۡ رَٰعُونَ ٨ وَٱلَّذِينَ هُمۡ عَلَىٰ صَلَوَٰتِهِمۡ يُحَافِظُونَ ٩ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ
ٱلۡوَٰرِثُونَ ١٠ ٱلَّذِينَ يَرِثُونَ ٱلۡفِرۡدَوۡسَ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ ١١﴾ [المؤمنون: ۱-۱۱].

«به تحقیق رستگار شدند مؤمنانی (۱) که آنها در نمازشان فروتنی دارند (۲) و کسانی که از لغویات روگردانند (۳) و کسانی که زکات را انجام می‌دهند (۴) و کسانی که غرایز جنسیشان را محافظ هستند (۵) مگر با زنان و کنیزان (شخصی و شرعی) خودشان که در این مورد ایشان ملامتی ندارند (۶) پس کسی که جویا باشد غیر از این (دو، راه دیگری) پس ایشانند تجاوزگر و جنایتکار (۷) و کسانی که امانت و تعهدات خود را مراعات و محافظت می‌کنند (۸) و کسانی که بر نمازهایشان محافظت می‌کنند (۹) ایشانند وارث (۱۰) که از فردوس ارث می‌برند. ایشان در آن همیشه می‌مانند».

تفسیر

در آیات فوق تقریباً هفت خصلت موجب رستگاری از هر مشکل (دنیا و آخرت) و رسیدن به همه اهداف و همچنان عامل ارث بردن از فردوس برین معرفی شده است که تفصیلشان به شرح زیر است ...

۱- داشتن ایمان و اعتقاد کامل (به کل آنچه که الله در قرآن و رسولش در احادیث گفته است - المؤمنون).

۲- در نماز کاملاً توجه داشتن به خداوند متعال و نشان دادن فروتنی خود در مقابل عظمتش (آیه ۲).

۳- زکات مال یا تزکیه قلب را انجام دادن (چون سوره مکی است و زکات در مدینه عملی شده است لذا از نظر بعضی از مفسرین اینجا مراد از زکات تزکیۀ قلب است).

۴- کنترل غرایز به جز از دو مورد یکی نکاح دیگری کنیز شرعی که بقیه کلیه صورت‌ها (از قبیل صیغه - متعه - تحیل و عاریت غیره) همه حرام و ممنوع‌اند.

۵- امانات را خیانت و تعهدات و پیمان را نقض نکردن.

۶- محافظت کلیه نمازها یعنی هر یک را در وقت مسنون خود با رعایت حقوق و آداب انجام دادن.

در نتیجه هرکس به هر مقدار از این صفات کسری داشته باشد به همان مقدار از رستگاری و رسیدن به مراد دور است.

تمرین

۱- آیات و ترجمۀ آن را از بر کنید.

۲- صفاتی را که موجب و عامل رستگاری‌اند نام ببرید.

اخلاق ۳

﴿وَعِبَادُ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلَّذِينَ يَمۡشُونَ عَلَى ٱلۡأَرۡضِ هَوۡنٗا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ ٱلۡجَٰهِلُونَ قَالُواْ سَلَٰمٗا ٦٣ وَٱلَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمۡ سُجَّدٗا وَقِيَٰمٗا ٦٤ وَٱلَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا ٱصۡرِفۡ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَۖ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا ٦٥ إِنَّهَا سَآءَتۡ مُسۡتَقَرّٗا وَمُقَامٗا ٦٦ وَٱلَّذِينَ إِذَآ أَنفَقُواْ لَمۡ يُسۡرِفُواْ وَلَمۡ يَقۡتُرُواْ وَكَانَ بَيۡنَ ذَٰلِكَ قَوَامٗا ٦٧ وَٱلَّذِينَ لَا يَدۡعُونَ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ وَلَا يَقۡتُلُونَ ٱلنَّفۡسَ ٱلَّتِي حَرَّمَ ٱللَّهُ إِلَّا بِٱلۡحَقِّ وَلَا يَزۡنُونَۚ وَمَن يَفۡعَلۡ ذَٰلِكَ يَلۡقَ أَثَامٗا ٦٨ يُضَٰعَفۡ لَهُ ٱلۡعَذَابُ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ وَيَخۡلُدۡ فِيهِۦ مُهَانًا ٦٩﴾ [الفرقان: ٦٣-٦٩].

«و بندگان رحمن کسانی هستند که روی زمین با نرمی راه می‌روند و هرگاه جاهلان ایشان را مورد خطاب و عتاب قرار می‌دهند می‌گویند: سلام (۶۳) و کسانی که به سجده و قیام برای پروردگارشان شب را می‌گذرانند (۶۴) و کسانی که می‌گویند: پروردگارا، بگردان از ما عذاب جهنم را. همانا عذابش تاوانی است (۶۵) همانا آن قرارگاه و قیامگاه بدی است (۶۶) و کسانی که هرگاه انفاق می‌کنند نه بیجا خرج می‌کنند و نه تنگی می‌کنند و در بین این دو قائم‌اند (۶۷) و کسانی که با بودن الله مشکل‌گشایی دیگر را نمی‌خوانند و جانی را که الله کشتنش را حرام کرده است قتل نمی‌کنند مگر اینکه حقش کشتن باشد و زنا نمی‌کنند و کسی که بکند چنین کاری می‌افتد در گناه (۶۸) دوبله می‌شود برایش عذاب روز قیامت و همیشه در آن ذلیل می‌ماند (۶۹) بجز کسی که توبه کند و ایمان و اعتقاد پیدا کند و

کار نیکو انجام بدهد پس این‌ها کسانی‌اند که الله گناهانشان را به نیکی تبدیل می‌کند و الله بخشنده و مهربان است».

تفسیر

در این آیات خداوند متعال عده را بنابر داشتن چند صفت که تفصیل آن بعداً ذکر می‌شود به خود نسبت داده فرموده که بندگان رحمن ... با توجه به اینکه بشر و غیر بشر همه و همه از نظر مخلوق و مملوک بودن همه بندگان خدا هستند اما این نسبت به علت اطاعت است که این عده دارای صفاتی به خصوص و دارای اطاعت از اوامر الله هستند که الله آنها را به خود نسبت داده بندگان رحمن معرفی کرده است، و آن صفاتی که عامل این نسبت مهم قرار گرفته‌اند به شرح زیراند:

۱- راه رفتن بدون تکبر و خودنمایی و با کمال متانت، وقار و نرمی.
۲- ترک کردن مجادله و جر و بحث با آدم‌های بی‌منطق و جاهل.
۳- شب را در عبادت به سر بردن.
۴- همیشه از جهنم ترسیدن و از خدا نجات خواستن از آن.
۵- در انفاق تعدیل و میانه‌روی را در نظر داشتن.
۶- در مصیبت فقط الله را خواندن و از او کمک خواستن.
۷- پرهیز از قتل ناحق.
۸- پرهیز از زنا.

تمرین

۱- کلمات و ترجمهٔ آن را از بر کنید.
۲- صفات بندگان خاص خدا را نام ببرید.

اخلاق ۴

﴿أَرَءَيۡتَ ٱلَّذِي يُكَذِّبُ بِٱلدِّينِ ١ فَذَٰلِكَ ٱلَّذِي يَدُعُّ ٱلۡيَتِيمَ ٢ وَلَا يَحُضُّ
عَلَىٰ طَعَامِ ٱلۡمِسۡكِينِ ٣ فَوَيۡلٞ لِّلۡمُصَلِّينَ ٤ ٱلَّذِينَ هُمۡ عَن صَلَاتِهِمۡ سَاهُونَ
٥ ٱلَّذِينَ هُمۡ يُرَآءُونَ ٦ وَيَمۡنَعُونَ ٱلۡمَاعُونَ ٧﴾ [الماعون: ۱-۷].

«آیا دیده‌ای کسی را که روز جزا را تکذیب می‌کند (۱) پس همان است که می‌راند یتیم را (۲) و برای غذا دادن به مسکین ترغیب هم نمی‌کند (۳) پس ویل است برای نمازگذارانی که (۴) آنها از نمازشان فراموش‌اند (۵) کسانی که خودنمایی می‌کنند (۶) و از دادن ماعون هم منع می‌کنند».

تفسیر

در این سوره چند خصلت منفی و زشت مورد مذمت و ملامت قرار گرفته است که تفصیلشان به شرح زیر است:

۱- تکذیب روز جزا: در حقیقت یگانه عامل فساد اخلاقی و هر نوع انحراف نپذیرفتن روز جزا است، زیرا اگر کسی نسبت به روزی که قاضی و داور مستقیماً ذات الله است در آن روز نه پارتی است و نه پول و نه سفارشی که موجب نجات باشد. و هر ذره عمل نیک یا بد پاداش دارد اعتقاد کامل داشته باشد (نه اعتراف زبانی) چطور ممکن است که به فساد یا انحراف کشانیده شود؟

۲- بی‌عاطفه‌ای: و آن هم به حدی که به جای کمک و دلداری به یتیم او را از در خود راندن و طرد کردن.

۳- ندادن غذا به مساکین بلکه بدتر از آن دیگران را منع کردن از انفاق و غذا به مساکین و تشویق دیگران برای عدم انفاق.

۴- از نماز فراموش شدن: و آن چند صورت دارد ۱- کلاً ترک کردن ۲- تأخیر کردن از وقت ۳- در نماز توجه نکردن به الله و عبادتش به حدی که نداند چند رکعت و چه خوانده است؟ ۵- ریا و خودنمایی ۶- به حدی بخیلی کردن که چیز پیش پا افتادهٔ را از قبیل چوب کبریت، ذرهٔ نمک و غیره ندادن.

تمرین

۱- کلمات و ترجمهٔ آن را از بر کنید.

۲- خصلت‌هایی زشتی را که این سوره مذمت کرده است نام ببرید.